

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده : محمود شاداب
۱۴ دسمبر ۲۰۱۸

[سخت بدنامم]

چرا چرا به بدی یاد می کنی نامم
گذشت عمر و به دربانیت آشنا نشدم
میا به خانه ام ای ساده رو برای خدا
به سوی یار فرستاده ام کبوتر شوق
چسان هوای رهائی فتد به سر ما را
به شهر عشق سر چارسوی رسوائی
گداز عشق کشید از سرم هوا و هوس
از آنکسان که نکردم هزار تنگه دریغ
ازین جهت من از آن ماهپاره خرسندم
اگرچه شد به غم آغاز عشقوری پامال
نه من مقمر و نی رند و نی می آشامم
ببین که تا به کجا نا امید و ناکامم
که من به عشق درین کوچه سخت بدنامم
خدا کند که نویسد جواب پیغامم
شد عمرها که نمکخوار حلقه دمام
به رنگ رنگ محبت نمود لیلایم
هزار شکر نمایم که پخته شد خامم
نمی دهند کنون یک کسیره وامم
سلام می دهد هرشام از سر بامم
به عیش ختم نمای خدای انجامم